

دردسرهای نیم قرن مالکیت دولتی مشترک استقلال و پرسپولیس

اگران احتمالی نوروز؛ خداحافظ سئول!

آرمن ساروخانیان

روزنامه نگار

مالکیت مشترک استقلال و پرسپولیس به مانع بزرگی برای کسب مجوز شرکت در لیگ قهرمانان آسیا برای این دو باشگاه برطرف‌دار تبدیل شده است. کنفدراسیون فوتبال آسیا بر این باور است که حضور دو باشگاه با مالکیت مشترک در یک تورنمنت می‌تواند شائبه تانی را بالا ببرد. آنها که به زیر و بم فوتبال ایران آشنا هستند از رقابت و کمری شدید این دو باشگاه و هوادارانش خبر دارند، ولی معیار AFC اساسنامه مسابقات است و نمی‌خواهد حرف و حدیثی باقی بماند.

AFC مثل یوفا

این رویه‌ای است که در تمام دنیا وجود دارد و یوفا هم سختگیرانه پای آن ایستاده است. این بحث زمانی داغ شد که خیرونا، یکی از باشگاه‌های تحت مالکیت «سیتی فوتبال گروپ» در لالیگا اوج گرفت و با حفظ روند خیره‌کننده‌ای که از شروع فصل داشته انتظار می‌رود که به یکی از رتبه‌های اول تا چهارم برسد. مهم‌ترین باشگاه تحت مالکیت این مجموعه منچسترسیتی است، ولی باشگاه‌های دیگر این مجموعه که اصطلاحاً باشگاه «خواهر» خوانده می‌شوند روابط مالکیتی و مدیریتی درهم‌تنیده‌ای با یکدیگر دارند. طبق قوانین فعلی یوفا، دو باشگاه خواهر نمی‌توانند در تورنمنت مشترکی شرکت کنند و اگر هر دو به لیگ قهرمانان برسند، اولویت با تیمی خواهد بود که در لیگ داخلی رتبه بالاتری داشته باشد. البته یوفا قرار است در آینده قوانین سختگیرانه‌تری وضع کند.



تلخ‌ترین قسمت قضیه

تا آنجا که به موارد داخلی مربوط می‌شود، هرگونه لرزش و خطاهای برخاسته از یک مالکیت مشترک توسط فدراسیون و سازمان لیگ قابل رفع و رجوع است اما وقتی کار و زمینه این گونه موازی کاری‌ها و تملک‌های مشترک به صحنه قاره و یک گستره عمومی بین‌المللی برسد، ماجرا فرق می‌کند و AFC و هر نهاد قاره‌ای دیگر ناظر بر موضوع هیچ گذشتی را جایز نمی‌شمارد و بر تفکیک رسمی و صریح و شفاف مالکیت‌ها از یکدیگر پای می‌فشارد. اگر این تفکیک صورت پذیرد و کنفدراسیون قاره مطمئن شود که منافع دو باشگاه یکسان نیست، با حضور همزمان آنها در رقابت‌های قاره‌ای در اصل و اصول مخالفت نخواهد کرد و در غیر این صورت عذر هر دوی آنها را خواهد خواست. بنابراین باید پرسید و دریافت که کدام یک از این دو حالت پیش روی سرخابی‌ها است؛ تعیین مالکیت‌های جدید و تفکیک شده برای هر یک از آنها و یا استمرار وضعیت سرشار از ابهام و باری به هر جهت همیشگی آنها. پاسخ این سؤال را حتی مسئولان امر و کسانی که گشودن گره‌های کار به آنان سپرده شده، نمی‌دانند و این تلخ‌ترین قسمت قضیه است.

ESTEGHLAL

PERSEPOLIS

از تاج به استقلال

استقلال و پرسپولیس به عنوان باشگاه‌های خصوصی تأسیس شدند، ولی بعد از انقلاب اسلامی به ارگان‌های دولتی سپرده شدند. در آن سال‌ها هنوز سخت‌گیری‌های کنفدراسیون فوتبال آسیا مطرح نبود، ولی مدیریت این باشگاه‌های برطرف‌دار مشکلات زیادی داشت و برای همین بین سازمان‌های مختلف دست به دست شده است. استقلال در سال ۱۳۵۸ به سازمان تربیت بدنی سپرده شد و عنایت آتشی، نخستین سرپرست این باشگاه پس از انقلاب شد. او درباره چگونگی تغییر نام باشگاه تاج به استقلال گفت: «اواخر سال ۵۹ آقای شاه‌حسینی به من زنگ زد و گفت هیأت دولت درخواست کرده که اسم تاج عوض شود. جلسه‌ای با حضور سیدآقا جلالی، منصور پورحیدری، آقای بهرام‌صفت و پدر حسن روشن تشکیل دادیم. اسم‌های آزادی، تختی، جمهوری اسلامی و استقلال پیشنهاد شد. آن روزها شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی یک شعار مردمی بود و همه جا شنیده می‌شد. من هم همین‌ها را بردم پیش آقای شاه‌حسینی و جلسه‌ای گذاشتیم و بحث کردیم. موافق بود. گفتیم استقلال مناسب‌تر است. شاه‌حسینی همین پیشنهاد را به هیأت دولت برد و تاج شد استقلال.»

دوران کوتاه استقلال با وزارت رفاه

باشگاه استقلال از آن سال زیر نظر تربیت بدنی اداره می‌شد، ولی در سال ۱۳۸۴ با بالا رفتن هزینه‌های تیم‌داری و مسئولیت‌های پرشمار این سازمان بحث تغییر مالکیت مطرح شد. قرار بود طی توافق استقلال به مدت ده سال به وزارت رفاه واگذار شود، ولی این وزارتخانه پس از مدت کوتاهی انصراف داد تا آبی پوشان دوباره زیر نظر تربیت بدنی قرار بگیرند. سازمان تربیت بدنی در سال ۱۳۸۹ به وزارت ورزش تغییر کرد و استقلال همچنان زیرمجموعه آن بود. در این مدت عزل و نصب‌ها با هماهنگی وزیر ورزش بوده و هواداران هر شکستی را از چشم مدیران منتصب این وزارتخانه می‌بینند.

دردسرهای مالکیت مشترک

استقلال و پرسپولیس در سال‌های مالکیت مشترک دوران پرفراز و نشیبی داشتند، گاهی استقلال دست بالا را داشته و در دورانی هم پرسپولیس سال‌های موقتی داشته است. بالا و پایین شدن این دو رقیب برای وزارت ورزش هزینه‌زا بود، چرا که هواداران موقعتی رقیب و افت تیم‌شان را عامدانه و بر اساس یک برنامه از پیش تعیین شده تصور می‌کنند! وزارت ورزش در این سال‌ها تلاش کرده این دو باشگاه را به سمت خصوصی‌سازی ببرد، ولی تلاش‌های دو سال گذشته نشان می‌دهد که این کار به این سادگی نیست. رها کردن این دو باشگاه برطرف‌دار با توجه به بدهی‌های تجمیع شده، مشکلات درآمدزایی و کمبودهای سخت‌افزاری ریسک بالایی دارد، ولی از طرف دیگر کنفدراسیون فوتبال آسیا هم مالکیت مشترک را برنمی‌تابد و خطر حذف از لیگ قهرمانان آسیا این دو باشگاه را تهدید می‌کند. زمان کوتاه است و وزارت ورزش باید تا پایان ضرب‌الاجل کنفدراسیون فوتبال آسیا مالکان جدیدی برای این دو باشگاه پیدا کند. این دو باشگاه مثل دو فرزندخوانده در پنج دهه گذشته زیر نظر سازمان تربیت بدنی و وزارت ورزش رشد کردند، ولی دیگر وقت آن است که زندگی مستقلی در پیش بگیرند. آیا نوروز امسال سرانجام شاهد خداحافظی آنها با ساختمان سئول خواهیم بود؟

تغییر نام موقت پرسپولیس

مالکیت باشگاه پرسپولیس بعد از انقلاب اسلامی در اولین قدم به بنیاد مستضعفان جمهوری اسلامی سپرده شد. بحث تغییر نام پرسپولیس در سال ۱۳۶۰ مطرح شد و بعد از بررسی نام‌های مختلف سرانجام «پیروزی» برای آن انتخاب شد. این اسم جدید تا سال ۱۳۹۱ باقی ماند، ولی هواداران با آن کنار نیامدند تا باشگاه دوباره به پرسپولیس تغییر نام بدهد. سال ۱۳۶۵ بنیاد مستضعفان نیمی از مالکیت باشگاه پرسپولیس را به سازمان تربیت بدنی واگذار کرد. به این ترتیب سازمان وقت تربیت بدنی همزمان مالک دو باشگاه اول فوتبال ایران شد. مالکیت همزمان دو باشگاه دشوار بود و تربیت بدنی تصمیم گرفت مدیریت پرسپولیس را در سال ۱۳۷۲ به وزارت صنایع منتقل کند. اولین مدیرعامل پرسپولیس بعد از این جابه‌جایی مدیریتی، امیر عابدینی بود که یکی از دوران موفق باشگاه را رقم زد، ولی مدیریت باشگاه در اواخر دهه ۷۰ به سازمان تربیت بدنی برگشت.

TEHRAN

مانع پشت مانع

در معادلات جدید مطرح شده در داخل کشورمان که نافی مسائل اعلام شده قبلی است، از سازمان تأمین اجتماعی به عنوان مالک احتمالی تازه پرسپولیس نام برده شده و البته اجرای نهایی این واگذاری به موافقت هیأت دولت و امضای تفاهمنامه‌های مرتبط توسط سازمان خصوصی‌سازی و سازمان تأمین اجتماعی و در نهایت ارسال نامه نهایی به سازمان بورس موکول شده و در این صورت مالکیت ۵۱ درصد از سهام پرسپولیس به این سازمان واگذار خواهد گشت. با این حال شنیده می‌شود موافقتی در راه این انتقال وجود دارد و این سازمان در مالکیت یک باشگاه دیگر ورزشی هم سهیم است و به تبع آن نمی‌تواند صاحب یک حق تملک واحد و تفکیک شده از سایر باشگاه‌ها باشد. این در شرایطی است که مدیران ارشد هر دو باشگاه که کارهای اجرایی و جاری سرخابی‌ها را هدایت می‌کنند، تمایلی به ورود به این مباحث کلان‌تر ندارند. رضا درویش، مدیرعامل پرسپولیس تا به آن حد در مسیر این ایده‌پردازی پیش رفته که متذکر شده تصمیم‌گیری در این خصوص در سطوحی بسیار بالاتر از ورزش و حتی وزارتخانه‌ها صورت می‌پذیرد و کار، صرفاً یک کار ورزشی نیست. او از وزارت کار به عنوان مالک جدید سرخ‌های تهرانی نام برده است و وزیر کار و امور اجتماعی نیز در مصاحبه‌ای که طی هفته جاری با خبرنگاران داشت، از انتقال احتمالی مالکیت این باشگاه به نهاد متبوع خویش استقبال و تأکید کرد که وزارت کار هر اقدامی را که موجب تقویت سرخابی‌های پایتخت شود، مفید می‌شمارد و در چنین مسیری طی طریق خواهد کرد. این در حالی است که با نزدیک‌تر شدن دادمی پایان سال ۱۴۰۲ عملاً هیچ انتقالی از آن قبیل که صحبت آن در میان بوده، صورت نپذیرفته و برگه‌ها و اسناد لازم در این خصوص به امضای طرفین ماجرا نرسیده و نه تاریخ مشخصی در این مورد اعلام شده و نه جزئیات کار و چگونگی واگذاری به درستی و با دقت تشریح و ترسیم شده است.

نمونه‌های داخلی

دلایل نهاد‌های قاره‌ای برای نپذیرفتن مالکیت مشترک برای نمایندگان یک کشور در مسابقات قاره‌ای مبرهن و بدیهی است. وقتی یک فرد یا یک ارگان و سازمان تملک دو باشگاه را به طور همزمان در اختیار داشته باشد این شائبه به وجود می‌آید که در صحنه مسابقات آنها را به سمت و سو و ثبت نتایجی سوق بدهد که به مصلحت هر دو و به نفع مالکان آنها است و حتی اگر این رخداد واقعاً تحقق نیافته باشد، شائبه وقوع آن برای زیر سؤال رفتن نتایج حاصله کفایت می‌کند. در لیگ داخلی داشته‌ایم مواردی که مالکیت دو باشگاه همشهری یا «هم‌استانی» با یک فرد یا یک سازمان بوده و به دلیل عدم رسیدگی فدراسیون به این موضوع ابهام بر سر صحت نتایج به دست آمده در مسابقات آن تیم‌ها به طور محسوسی برقرار و در این زمینه حرف و سخن فراوان بوده است. یک مثال روشن محمدرضا نوزی است که در عین داشتن مالکیت تراکتور، مدتی حق تملک «گسترش صنعت تبریز» را هم برعهده داشت و پس از اتمام حضور نوزی در باشگاه گسترش صنعت مشابه این وضعیت با ماشین‌سازی هم رویت شد و این سرمایه‌دار ورزش دوست مدتی در آن واحد هم مالک تراکتور، شناخته می‌شد و هم مدیر و همه کاره ماشین‌سازی که مانند تراکتور از تیم‌های ریشه‌دار و محبوب شهر تبریز است.